

### شو قتلِ علی

✓ لطفعلی بهره‌دار

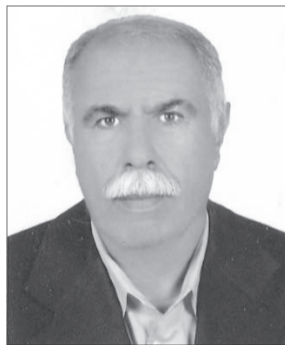
شو قتلِ علی، ساقی حوضِ کوثر آنشو  
سَرش شَقّه ز تیغِ ابنِ ملجم کافرانِ امشو  
میونِ مَچّتِ کوفه، علی شد کشته در محراب  
ز ضربِ تیغِ آلوده، چون گل پَرپَرنِ امشو  
میونِ خونِ خودِ مولای دینِ حیدر شده غلطون  
توی دریایِ خون، جسمِ علی چون گوهرنِ امشو  
کُنین تغزیه‌اش برپا، علی خوابیده در خونه  
که قمبر نوکرش وا اسب، در پشتِ دَرَنِ امشو  
شو قدرن، تموم کازرونی‌ها توی مَچّت  
ز الغوثِ همه گوش فلک انگار کَرَنِ امشو  
عُوموم نذر دارون، سفره‌ی احیا کنن برپا  
خدا شاید خودش دنبالِ چشمونِ ترنِ امشو  
آ خوردِ هرچه بیمارنِ میدانِ بسِ او دُعا خونده  
آنا و شیر سی دفع زهر، آ شربتِ بهترینِ امشو  
تمومِ مؤمنون شو زنده داری می‌کنن تا صَب  
می‌خوی بُوگ توی مَچّت‌ها که تابوتِ رو سَرَنِ امشو  
بَسَنِ لطفلی کمتر بُوگ، اپنا رفته آ یاد مردم  
شو قتلِ علی، ساقی حوضِ کوثر آنشو



### مولای دین

✓ زهرا جهانبخشی

شد کشته از شمشیر کین  
مولای دین، مولای دین  
امشب ملائک در سماء  
گریند بر آلِ عبا  
بر شاهد روز جزا  
بر جانشینِ مصطفی  
امشب یتیمان در به در  
گریند بر حال پدر  
غم‌یده‌ی دنیا شوند  
بی باور و تنها شوند  
امشب درونِ خانه‌ها  
بر تن همه رختِ عزا  
مولایمان پر پر شده  
هم خوان پیغمبر شده  
زهرا ی اطهر بی‌قرار  
در هجرِ مولا داغدار  
در انتظارش کوثر است  
حوضی که همچون گوهر است  
شد کشته از شمشیر کین  
مولای دین، مولای دین



### پیمان شکنی

◆ محمدحسن جوکار

آنان که عهد آشنایی را شکستند  
آینه‌ی نور خدایی را شکستند  
از آتش ظلم و عناد و کینه توزی  
پیمان پاک مقتدایی را شکستند  
شب باوران مست از دنیا پرستی  
خورشید بزم آشنایی را شکستند  
هنگامه‌ی راز علی مرتضی بود  
آنان حریم مرتضایی را شکستند  
برقی جیید و آسمان فریاد برداشت  
واحسرتا ماه کسایی را شکستند  
تیغ ستم قلب زمان را غرق خون کرد  
تا کافران مرز رهایی را شکستند  
شمشیر بود و قامت سروی دلارا  
آن سرو باغ کبریایی را شکستند  
مولا همای رحمت حق بر زمین بود  
کج باوران فرّ همایی را شکستند  
پرورده‌ی دامان پاک مصطفی را  
میر سپاه مصطفایی را شکستند  
شاهنشاه عدل و وفا و مهربانی  
سر مشق ناب بی‌ریایی را شکستند  
جان علی سرشار از عشق خدا بود  
اسطوره مرد هل اتایی را شکستند  
غمخوار محرومان، امید بی‌پناهان  
گنجینه‌ی مشکل‌گشایی را شکستند  
آن آشنا بر درد مظلومان خدایا  
آن مظهر درد آشنایی را شکستند  
دیدنی چه‌ها کردند با جان و دل ما  
تا ترجمان پارسایی را شکستند  
از اشک ماتم، دیده‌ها مان غرق خون است  
در قلب «جوکار» روشنایی را شکستند



### دلشکسته

✓ س. جوکاری

دلَم شکسته در اینجا مقدر غمگینم  
مقدر بی تو عذابست هر چه می‌بینم  
چه سفت می‌شود این لمظه‌های تنهایی  
پگونه بی تو بمانم چگونه بنشینم  
چرا مرا به مضور فودت نمی‌فوانی  
مقدر فست در اینجا مقدر غمگینم  
من از نگاه تو آغاز می‌شوم هر روز  
و از نگاه تو هر شب ستاره می‌بینم



### مولود کعبه

● میبب اله زارع

باز کانونِ دلم باز شد از سوی علی (ع)  
شده لبریز وجودم ز می و موی علی (ع)  
کرده پرواز دلم از می معنای علی (ع)  
آسمان نیست مکانی به جز از کوی علی (ع)  
صفت عشق کجا وصف کند راز علی (ع)  
من کجا وصف کنم خاطره‌ی روی علی (ع)  
دانه‌ای سبز شد از مأمَن مسعود خدا  
سَر این حادثه فضیلت به بازوی علی (ع)  
کعبه شد نور ز مهمانی مولود خدا  
رمز معبود و طواف عشق به ابروی علی (ع)  
از سر معرفت عشق چه دیوار شکافت  
شد تجلای خدا از سر و از روی علی (ع)  
ز سر لطف نمود خانه‌ی خود منزل او  
کس ندیده است چنین خانه به جز کوی علی (ع)  
جامه‌ی مهر به اندام و جمالش پوشید  
تا پراکنده کند شبی از بوی علی (ع)  
مصطفی گفت علی باب بزرگ علم است  
عالمان چنگ زنند بر خم گیسوی علی (ع)  
مهد توحید و شجاعت همه در خصلت اوست  
غرق در قدرت حق محفل خوشبوی علی (ع)  
آسمان سایه نیکنند چه مولای دگر  
مرد شمشیر و عدالت روش و خوی علی (ع)  
شمس والای جهان رحمت انسانی حق  
رتک بیدرای دل تا شبی از روی علی (ع)  
شرح عرفان و جهاد و سخن و علم و ادب  
همه جمعند به حق در نی نیکوی علی (ع)

### جلوه‌ی ذات خدا

ح. عبدالمجید مردانی

اسوه‌ی مهر و وفایی صاحب صدق و صفایی  
نور منشور ولایی چشمه‌ی خورشید رایی  
نور آغاز جهانی شور اسرار نهانی  
هم نهانی هم عیانی جلوه‌ی ذات خدایی  
دَر دریای عطایی حاجت حاجت روائی  
دردمندان را دوائی بینوایان را نوایی  
هم پناه بی‌پناهی هم مسیر و پیر راهی  
نور چشم هر تگاهی، رهروان را رهنمایی  
خضری و آب بقایی، ساقی کوثر نمایی  
حجت حج الودایی، قبله‌ی آمال مایی  
تیغ عدل ذوالفقاری حیدر دلدل سواری  
شب به شب در زنده داری فاتح خیر گشایی  
لحظه‌های بی‌قراری شور و شوق انتظاری  
فُزت رب الکعبه داری رو به سوی ماسوایی  
هر فقیری در کنارت، کوفه شهبای قرارت  
چاه تنها رازدارت، ای دریغ از بی‌وفایی  
هم ولی مصطفایی هم علی مرتضایی  
در غدیر خم نمایی از نمای کبریایی

### منتظر آثار و مطالب شما هستیم

لطفاً جهت چاپ آثار در این صفحه، مطالب خود را با خط خوانا (ترجیحاً تایپ شده)، با ذکر نام و نام خانوادگی، سن و تلفن تماس در یک روی کاغذ نوشته و به دفتر روزنامه ارسال نمایید. ضمناً مطالب ارسالی، برگشت داده نمی‌شوند.

کارشناس سرویس ادبی - هنری: محمدعلی اصلاح‌پذیر

